

# شکسپیر، ایران و شرق

سیروس غنی

ترجمه‌ی

مسعود فرهمندفر

(دانشگاه علامه طباطبائی)



اُمّارات مروارید

عنوان و نام پدیدآور:	غنى، سپرسوس، Cyrus Ghani
مشخصات نشر:	شکسپیر، ایران و شرق / سپرسوس غنى؛ ترجمه‌ی مسعود فرهمندفر
مشخصات ظاهری:	تهران: انتشارات مرواريد، ۱۳۹۸
شابک:	۱۴۸ ص.
و نسبت فهرستنويسي:	978-964-191-813-4
يادداشت:	فهريستنويسي: فهريستنويسي
موضوع:	عنوان اصلی: Shakespeare, Persia, and the East, c2008.
موضوع:	شکسپير، ويلام، ۱۶۱۶-۱۵۶۴، م. - معلومات - ايران
موضوع:	Shakespeare, William - Knowledge - Iran
موضوع:	شکسپير، ويلام، ۱۶۱۶-۱۵۶۴، م. - معلومات - شرق
موضوع:	Shakespeare, William - Knowledge - Orient
موضوع:	شکسپير، ويلام، ۱۶۱۶-۱۵۶۴، م. - دوستان و آشيان
موضوع:	Shakespeare, William - Friends and associates
موضوع:	ايران - روابط خارجي - انگلستان
موضوع:	Iran - Foreign relations - Great Britain
موضوع:	انگلستان - روابط خارجي - ايران
موضوع:	Great Britain - Foreign relations - Iran
شناخته افزوده:	فرهمندفر، مسعود، ۱۳۶۵-، متوجه
ردبندی کنگره:	PR
ردبندی دیوبی:	۸۲۲/۳۳
شاره کابشناسي ملي:	۵۹۴۰۷۰۸



امراة مرواريد

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / من. ب، ۱۳۱۴۵ - ۱۶۵۴  
دفتر: ۰۸۶۰-۶۶۴۰۰۰-۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ فاكس: ۶۶۴۶۷۸۴۸ فروشگاه: ۶۶۴۸۰۴۰۲۷

<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>  
[www.morvarid.pub](http://www.morvarid.pub)



## شکسپیر، ایران و شرق

### سپرسوس غنى

ترجمه‌ی مسعود فرهمندفر (دانشگاه علامه طباطبائی)

تولید فني: الناز ايلى

صفحه‌آرایي: تينا حسامي

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

خدمات چاپ ميامي

تيرماز ۵۵۰

شابک: 978-964-191-813-4 ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۸۱۳-۴

تومان ۲۶۰۰۰

## فهرست مطالب

۵	سخن مترجم
۹	مقدمه
۱۳	خلاصه‌ای از زندگی شکسپیر
۲۳	دوران «تودور»‌ها در انگلستان و عصر صفوی در ایران
۲۳	پادشاهی تودورها
۲۳	هنری هفتم (۱۴۷۶-۱۴۸۵)
۲۵	هنری هشتم (۱۴۹۱-۱۵۰۹)
۲۷	ادوارد ششم (۱۴۷۱-۱۴۷۶)
۲۸	ماری (۱۴۷۱-۱۴۹۱)
۲۸	الیزابت (۱۵۰۳-۱۵۵۸)
۳۵	شاهنشاهی صفوی
۳۵	خلاصه‌ای از تاریخ ایران باستان
۴۰	خاندان صفویان

۴۴ .....	شاه عباس اول
۴۷ .....	انحطاط صفویان
۵۱ .....	سیاحان و تاجران در ایران و روابط اقتصادی
۵۳ .....	و نیز و پرتغال
۵۴ .....	تجارت انگلستان با ایران
۶۱ .....	شکسپیر و ارل ساوت‌همپتون: اول اسکس و عزیمت برادران شرلی به ایران
۶۵ .....	ارل اسکس
۷۱ .....	برادران شرلی
۸۳ .....	ارجاعات به ایران و شرق در نمایشنامه‌های شکسپیر
۱۳۷ .....	پیوست
۱۳۷ .....	ترجمه‌های فارسی از آثار شکسپیر
۱۴۳ .....	کتاب‌نامه

## سخن مترجم

زمانهٔ ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶) زمانه‌ای خاص در تاریخ انگلستان است. فاصله‌گرفتن از کلیسا در دوران هنری هشتم، نفوذیافتن انسان‌باوری رنسانسی و پا گرفتن گفتمان خردباور همگی سبب ایجاد فضای روشنفکری شد که راه و روش‌های جدید و جسورانه را در خلق و تفسیر آثار علمی می‌پستدید. اوضاع سیاسی و اجتماعی نیز نقش پررنگی ایفا می‌کرد. عصر الیابت دوران «تغییر» بود. انگلستان در مسیر تبدیل شدن به بزرگترین قدرت اروپا افتاده بود. نظام فئووال در حال اختصار بود، و نظام ارزش‌های بورژوا و سرمایه‌داری، آرام‌آرام، ریشه می‌انداخت. قدرت دربار با قدرت گرفتن مجلس تحت الشعاع قرار گرفته بود؛ اگرچه علیه قدرت سلطنتی تحرکاتی دیده نمی‌شد، بازنگی و بازتعریف روابط میان فرمانروا و مجلس آغاز شده بود. با آن‌که اشرافیت زمین‌دار هنوز هم از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی و سیاسی بودند، طبقات تاجر و سرمایه‌دار روزبه روز نفوذ و اعتبار بیشتری کسب می‌کردند. در کل، زمان گذار از نظامی غالب به نظامی دیگر بود.

علاوه بر جوّ سیاسی - اجتماعی آن دوران، از تئاتر نیز نباید غفلت کرد که

خود رسانه‌ای بی‌همتا بود. تئاتر عمومی دوران الیزابت به منزلة نهادی اجتماعی بود. نمایشنامه‌نویسان که غالباً از طبقات اجتماعی پایین بودند گهگاه به مصاحب نجیب‌زادگان و فرمانروا نایل و از حمایت مالی آنان برخوردار می‌شدند. به همین سبب، نمایشنامه‌نویسان نگاهی منحصر به فرد به جامعه داشتند که از مرزبندی طبقه اجتماعی فراتر می‌رفت و گاه حتی آن را به چالش می‌کشید.

در ضمن، از آنجا که تماشاخانه‌های عمومی خارج از محدوده شهر بودند، مبراً از قوانین مقامات شهری بودند. همین ویژگی سبب شده بود که تئاترهای عمومی به محل گرد همایی مردم، خارج از حدود مرزهای عرف و قوانین رسمی تبدیل شود، یعنی رفتارهایی که در هر جای دیگر پذیرفته نبود در آنجا پذیرفته می‌شد. کوتاه سخن این که آنجا محلی بود که آزادی بیان، تا اندازه‌ای، تحمل می‌شد. در چنین وضعی صحنه تئاتر آماده شکوفایی نبوغ شکسپیر بود.

شکسپیر کار خود را با نگارش نمایشنامه‌های تاریخی (مثل ریچارد سوم) و سپس کمدی (مثل کمدی اشتباہات) آغاز کرد. در دورانی که از آن با عنوان عصر طلایی تئاتر در انگلستان یاد می‌شود، او توانست به همراه نمایشنامه‌نویسان نامداری همچون کریستوفر مارلو، جان لیلی، بن جانسون، جان مارستون، توماس میدلتون، جان دی و بسیاری دیگر به تماشاخانه‌های لندن — که از تابستان ۱۵۹۲ به مدت یک سال و نیم به علت شیوع طاعون بسته شده بود — رونقی دوباره ببخشد. شکسپیر از مارلو و لیلی شگردهای نمایش را آموخت و با نبوغ خود تئاتر را به حد اعلا رساند.

یکی از ویژگی‌های نمایش‌های دوران الیزابت بازتاب دادن اوضاع اجتماعی و سیاسی زمانه است. اگر مارلو در ۱۵۹۴ نمایشنامه یهودی مالت را بازنویسی می‌کند، واقعه دکتر رُدیگو لوپز را در نظر دارد — یهودی‌ای که با فرمان ملکه الیزابت به اعدام محکوم شد. یا اگر شکسپیر اتللو را می‌نویسد،

حملهٔ ترکان عثمانی را به قبرس در سال‌های ۱۵۷۰ در نظر دارد. شکسپیر، با استعداد و توان فوق‌العادهٔ خویش، عیناً و در منتهای وفاداری، جهان‌بینی زمانه‌اش را انعکاس داده، ولیکن با تمرکز بر خصلت‌های ذاتی انسان توانسته است برداشت خود را برای زمانهٔ ما نیز مناسب سازد. شکسپیر ما را با موضوع بنیادین «انسان‌بودن» رو به رو ساخت، و این که جامعهٔ نمی‌تواند این حقوق را از هیچ فردی دریغ کند. و همین نگرش است که میراث شکسپیر را بی‌زمان و جاویدان کرده است، و به‌واقع تمامی آثار ادبی - هنری بزرگ بی‌زمان‌اند.

نویسندهٔ کتاب حاضر، سیروس غنی (۱۳۹۴-۱۳۰۸) - فرزند دکتر قاسم غنی و از ایران‌پژوهان کوشای سعی کرده است بخشی از جهان‌بینی زمانهٔ شکسپیر را با بررسی ارجاعات او به مشرق‌زمین آشکار سازد. غنی با بررسی دقیق بافت اجتماعی و سیاسی نمایشنامه‌های شکسپیر، سازمانیه‌های گفتمان غالب زمانه را شناسایی می‌کند و بدین ترتیب خواننده را به درک ژرف‌تری از نمایشنامه‌های شکسپیر می‌رساند. امیدوارم ترجمهٔ این کتاب ارزنده بتواند برای خوانندگان علاقه‌مند سودمند باشد. در پایان، بایسته می‌دانم از زحمات مدیر فرهیخته، بلندنظر و دانش‌دوست انتشارات مروارید، آقای منوچهر حسن‌زاده، تشکر کنم. همچنین، از استاد گران‌مایه‌ام آقای دکتر مسعود جعفری و دوست فرهیخته‌ام آقای دکتر عبدالرسول شاکری برای حمایت و راهنمایی‌های ارزنده‌شان سپاس‌گزاری می‌کنم.



## مقدمه

درباره ویلیام شکسپیر و آثار او کتاب‌های بسیاری وجود دارد. نمایشنامه‌های او به تمام زبان‌های شناخته شده دنیا ترجمه شده‌اند. هر واژه و کلام او موضوع نقد و بررسی‌های بسیار بوده است. کتاب‌ها و مقاله‌های بی‌شماری به علایق گستردۀ شکسپیر (از گل و گیاه تا موسیقی و پزشکی) پرداخته‌اند. کتاب حاضر نیز یکی از این تلاش‌های است که به بررسی دانش و علاقه شکسپیر به ایران و دیگر مناطق مشرق‌زمین می‌پردازد. تعلیمات تاریخی شکسپیر او را با ایران باستان آشنا ساخته بود. و این دانش تاریخی بخشی از تعلیمات رایج در دوران رنسانس بود. در ضمن، کتاب‌ها و رساله‌هایی هم درباره ایران‌زمین به قلم جهانگردان موجود بود که به احتمال فراوان شکسپیر با آنها آشنا بود.

شکسپیر فرزند زمانه‌اش بود. حمایت از خانواده، امنیت مالی و قبول عام یافتن از دغدغه‌های روزمره‌اش بود. او به نجواها و شایعه‌های افراد در میکده‌ها، در تئاتر گلوب و در کوچه و خیابان‌های لندن گوش می‌سپرد. او نسبت به سیاست و اعمال دربار نیز بی‌اعتنا نبود، و از تمام این‌ها در غنی‌تر ساختن نمایشنامه‌هاییش استفاده می‌کرد. رنسانس دوران سفرهای اکتشافی و تجاری به دیگر نقاط جهان بود و شکسپیر اهمیت آشنایی با دیگر مناطق و

## فرهنگ‌های جهان را به خوبی در ک می‌کرد.

در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی، توجه انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی به ایران معطوف شد زیرا که امپراتوری عثمانی به منزله دشمن مشترک اروپاییان به نواحی شرق اروپا حمله‌ور شده و فتوحاتی به دست آورده بود و ترکان عثمانی به پشت دروازه‌های وین رسیده بودند. قدرت‌های بزرگ اروپا و نیز شخص پاپ تلاش می‌کردند ایران را ترغیب کنند تا با عثمانی وارد جنگ شود و بدین ترتیب مانع از پیشروی آن‌ها [ترکان عثمانی] در اروپا شود. البته میان عثمانی و شاهان صفوی رابطه گرمی برقرار نبود؛ صفویان ایران را دولتی شیعی معرفی کردند و همین امر همسایه‌ستی را آژرد بود، طوری که ایرانیان را بدعت‌گذار و تهدیدی مهلک تلقی می‌کردند. قدرت‌های اروپایی نیز متعهد شدند که هم‌زمان با حمله ایران، آن‌ها نیز وارد جنگ با عثمانی شوند. اما برخلاف این وعده‌های ترغیب‌کننده و اطمینان‌بخش، اروپاییان نه قصد شرکت در این نبرد را داشتند و نه توان آن را. هدف آنان صرفاً این بود که ایران را به جنگ با عثمانی وادار کنند تا اروپا در امان بماند. در کل دوره صفویه، اروپا هیچ کمک نظامی به ایران برای مقابله با عثمانی نداد.

اما موضوع اصلی کتاب حاضر این است که شکسپیر چگونه با ایران آن روزگار آشنا شد. می‌کوشیم آشنایی شکسپیر از ایران را در بافت تاریخی آن مطالعه کنیم. در این زمینه، اول اسکس<sup>۱</sup>، برادران شرلی<sup>۲</sup> و نیز ساوت‌همپتون<sup>۳</sup> (حامی مالی شکسپیر و پیرو اول اسکس) نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند. اسکس، علاوه بر ماجراجویی‌های نظامی، به تجارت هم علاقه‌مند بود. او از سفر برادران شرلی به ایران حمایت مالی کرد. مأموریت

۱. (1567-1601): رابرт دورو، دومین اول اسکس The Earl of Essex

۲. The Sherley Brothers (1573-1624): هنری رایزلی، سومین اول ساوت‌همپتون Southampton

آنان، علاوه بر ارزیابی زمینه‌های تجارت با ایران، این بود که شاه ایران را به جنگ علیه ترکان عثمانی ترغیب کنند. برادران شرلی به شخصیت‌های مطرحی در لندن تبدیل شدند و مردم ماجراجویی‌هایشان را پیگیری می‌کردند. شکسپیر برای مخاطب متوسط می‌نوشت، و اگرچه گاهی برخی مخاطب‌ها تلمیحات او به آثار کلاسیک را درک نمی‌کردند، اغلب آنان ارجاعات او به مسائل معاصر را متوجه می‌شدند. شکسپیر برای مخاطب خود از نام‌ها، مکان‌ها و حکایت‌های شرقی می‌گفت تا آنان را مجدوب کند. شکسپیر برای اشاره به ایران از نام Persia استفاده کرده است.

از روزگاران باستان، یونانیان که رقیب ایران در سرزمین‌های شرق مدیترانه بودند به ایران Persia می‌گفتند، و از آن زمان به بعد نیز اروپایی‌ها از همین واژه استفاده کردند، در حالی‌که Persia فقط به استان فارس یا Pars اشاره دارد که اسکندر مقدونی، پس از فتح ایران، در آن‌جا جلوس کرد. در اوستا، کتاب مقدس ایرانیان زرتشتی پیش از دوران اسلام، آمده است که ایران یکی از هفت کشور جهان بوده و بدان «ایرانشهر» می‌گفتند. در دوران باستان، کشور ایران قلب امپراتوری و شاهنشاهی ایران بوده است. نخستین ارجاع تاریخی ثبت‌شده به «ایران» در کتیبه‌ای منسوب به هرمز شاه ساسانی در سال ۲۷۱ میلادی مشاهده می‌شود که در آن آمده است: «منم شاه ایران و توران». نخستین اشاره مکتوب به کشور ایران در دوران اسلامی در شعر رودکی سمرقندی (۲۴۴-۳۲۹ ق) دیده می‌شود. یک قرن بعد در اشعار فردوسی (۴۱۶-۳۲۹ ق) نام ایران بسیار تکرار می‌شود. در اواخر قرن شانزدهم میلادی (اواسط عصر صفوی)، از کشور ایرانیان با نام «ایران» یاد می‌شود.